

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

ضمیمه‌ی

هدیه‌های آسمان

ششم دبستان

ویژه‌ی اهل سنت

توجه: درس‌های این کتاب به جای درس‌های ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ (از قسمت «من معتقدم» تا آخر)، ۱۲ و ۱۶ از کتاب هدیه‌های آسمان ششم دبستان تدریس می‌شود و سایر درس‌ها همگانی است.



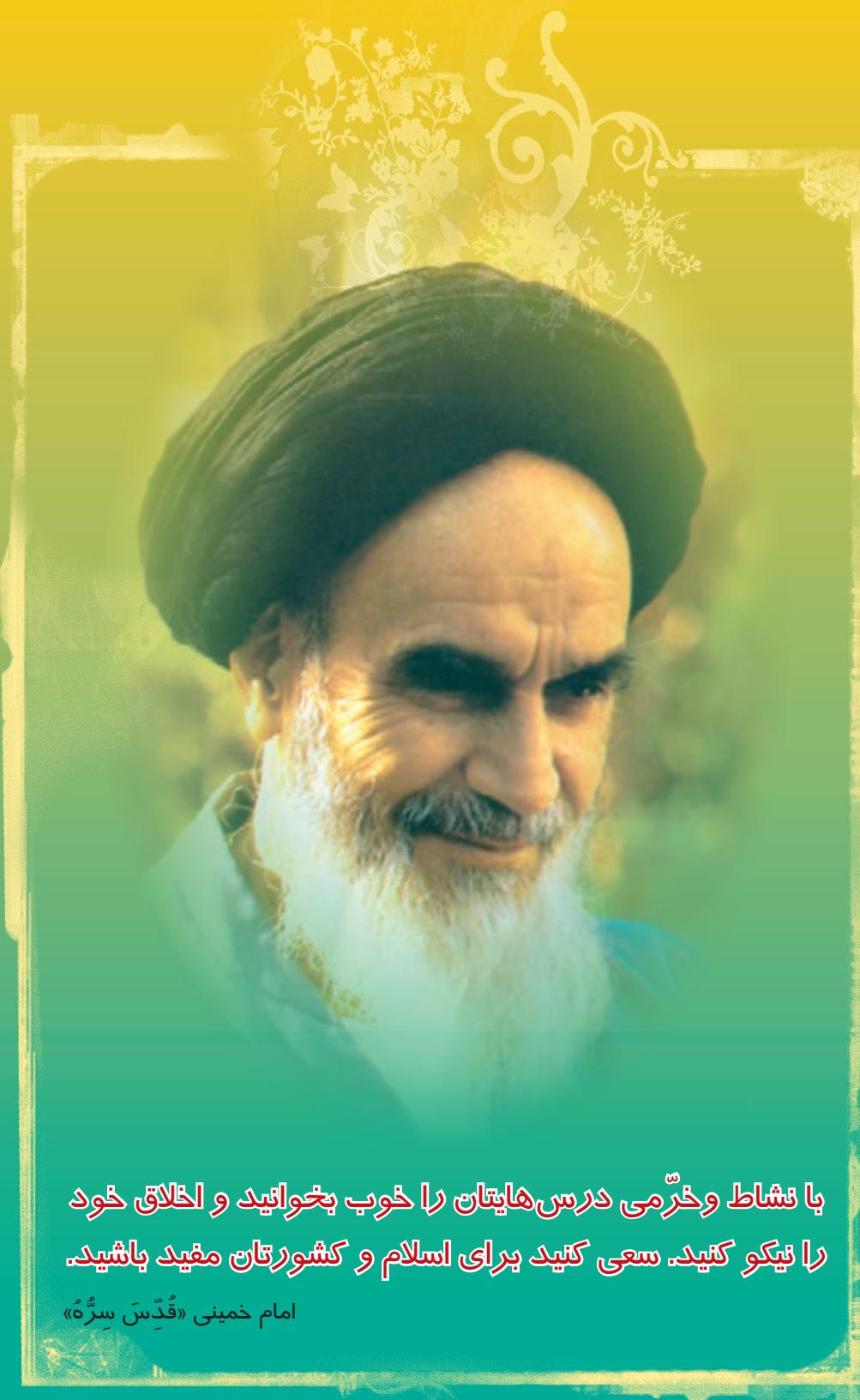
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب :	ضمیمه‌ی هدایه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) (ویژه‌ی اهل سنت)
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	حیدر الماسی (مؤلف)، با همکاری : مولوی نذیر احمد سلامی
محندکاظم بهنیا، سیداکبر میرجعفری (ویراستار)	
مدیریت آماده‌سازی هنری :	اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی :	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و جاب) - مجید ذاکری یونسی (طراح جلد) - شهرزاد قنبری (صفحة‌آرا) - حسین صافی (تصویرگر صفحات ۲۶ و ۳۱) - کبری اجابتی، فاطمه صغیری ذوالفاری، زینت بهشتی شیرازی، حیدر ثابت‌کلاچاهی، ناهید خیام باشی (امور آماده‌سازی)
شناسه سازمان :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۰۹۱۶۱-۹، ۸۸۳۰-۹۶۶، دورنگار: ۸۸۳۰-۹۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
ناشر :	شرکت افست : تهران - کیلومتر ۴ جاده‌ی آبعلی، بلاک ۸، تلفن: ۰۹۳-۷۷۳۳۹۰۹۳، دورنگار: ۰۹۷، ۷۷۳۳۹۰۹۷، صندوق پستی: ۱۱۱۵۵-۴۹۷۹
چاچانه :	شرکت افست «سهامی عالم» (www.offset.ir)
سال انتشار و نوبت چاپ :	چاپ هفتم ۱۴۰۲
برای دریافت فایل pdf کتاب‌های درسی به پایگاه کتاب‌های درسی به نشانی www.chap.sch.ir و برای خرید کتاب‌های درسی به سامانه‌ی فروش و توزیع مواد آموزشی به نشانی www.irtextbook.ir یا www.irtextbook.com مراجعه نمایید.	

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاچانه و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلحیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نفاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



با نشاط و خرمی درس هایتان را خوب بخوانید و اخلاق خود را نیکو کنید. سعی کنید برای اسلام و کشورتان مفید باشید.

امام خمینی «قدس سرّه»

معلمان محترم و اولیای گرامی دانش آموزان و صاحب نظران می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطابق
این کتاب از طریق نامه بنشانند تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۴ / ۴۸۷۵ - کروه دری مبوط و یا پیام نگار (Email)
ارسال نمایند.

دقترتایف کتاب های درسی عمومی و متوسط نظری

فهرست

۲	درس ۲ : بهترین راهنمایان
۸	درس ۳ : سرور آزادگان
۱۵	درس ۵ : رهروان راه صحابه
۲۰	درس ۶ : سیمای خوبان
۲۵	درس ۷ : فرزند پاک
۳۰	درس ۸ : پندهای جاودان
۳۴	اعتقادات ما
۳۶	درس ۱۲ : احکام سفر
۴۰	درس ۱۶ : عمره



بهرترین راهنمایان

از مسیر اصلی می‌رویم؛ نه از بیراهه. مراقبیم در پرتگاه نیفتیم. اگر کسی از حرکت باز ماند، او را تنها نمی‌گذاریم و همه به او کمک می‌کنیم. تک روی نمی‌کنیم. همگی پشت سر راهنمای حرکت می‌کنیم. به طبیعت آسیب نمی‌زنیم و از شتابزدگی پرهیز می‌کنیم....».

آقای رحمتی نکات ضروری را پای کوه به گروه ما تذکر می‌دهد و حرکت را آغاز می‌کنیم. او مرتبی قرآن ماست. این هفته قرار است جلسه را بالای کوه نزدیک شهر تشکیل دهیم.

* * *



از دامنه‌ی کوه بالا می‌رویم.

چه هوای پاکی! چه منظره‌ی با شکوه و بی‌نظیری!

سراسر دشت‌ها و دامنه‌ها در برابر مان است و تمام شهر را با یک نگاه می‌بینیم!



بعد از ساعتی حرکت، کنار هم می‌نشینیم. آقای رحمتی می‌گوید: «موضوع این جلسه‌ی ما «بهترین راهنمایان» است. خیلی‌ها ما را در زندگی راهنمایی می‌کنند و به ما کمک می‌رسانند؛ اماً یادمان باشد که راهنمایان اصلی و حقیقی ما کسانی هستند که خدای مهریان آنها را انتخاب کرده است. پیامبران بهترین راهنمایان ما هستند».

بعد از این مقدمه، بچه‌ها یکی یکی صحبت کردند:

- پیامبر کسی است که از سوی خدا انتخاب شده است. او «پیام» خدا را برای مردم می‌آورد و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کند.
- پیامبران از بین خود مردم انتخاب می‌شوند و زندگی آنان مثل همه‌ی مردم بود. کارهایی مانند چوپانی و کشاورزی انجام می‌دادند و برای خانواده‌شان زحمت می‌کشیدند.

- بعضی از پیامبران کتاب آسمانی داشتند؛ مثل تورات، انجیل و قرآن.

- گاهی پیامبران برای اینکه ثابت کنند پیامبر هستند، از «معجزه» استفاده می‌کردند؛ یعنی کارهایی می‌کردند که مردم عادی نمی‌توانستند انجام دهنند. این معجزات، دلایل روشنی بود که نشان می‌داد آنها از سوی خدا فرستاده شده‌اند.
- اوّلین پیامبر خدا، حضرت آدم (علیه السلام) بود و آخرین پیامبر، حضرت محمد (صلی الله علیه و علی آله) است.

آقای رحمتی که از حرف‌های بچه‌ها به وجود آمده بود، گفت: «آفرین! نکته‌های ارزشمندی را گفتید.

زندگی مثل کوه‌پیمایی است که اگر نقشه‌ی راه و راهنما نداشته باشیم، نمی‌توانیم به راحتی به قله برسیم. راهنمای آگاه، مسیر رسیدن به قله را خیلی خوب می‌داند، می‌داند که چه پرتگاه‌ها و چه خطرهایی در برابر ماست. پیامبران بهترین راهنمایان زندگی هستند. آنها با دلسوزی و مهریانی، مراقب همه بودند و به بهترین شیوه انسان‌ها را هدایت می‌کردند».



بعد از صحبت‌های آقای رحمتی، قرار شد بچه‌ها از چیزهایی که درباره‌ی زندگی هر یک از پیامبران شنیده‌اند، صحبت کنند. بحث با شور و شعف خاصی در هوای دلپذیر بالای کوه ادامه پیدا کرد.

بدانیم



یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان، نبّوت (پیامبری) است؛ یعنی خداوند مهربان، پیامبرانی را از میان انسان‌های خوب و نیکوکار برگزید تا مردم را هدایت و راهنمایی کنند و آنان را با دستورهای الهی آشنا کنند. آنها انسان‌ها را به خوبی‌ها دعوت می‌کردند و از بدی‌ها باز می‌داشتند؛ با ظلم ظالمان و ستمگران مبارزه می‌کردند و یار مظلومان و نیکوکاران بودند.

برایم بگو



پیامبران مردم را راهنمایی می‌کردند تا ...



تدبّر کنیم

این آیات و ترجمه‌ی آنها را بخوانید. هر آیه به چه مطلبی درباره‌ی پیامبران اشاره می‌کند؟

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ
خداؤند بر مؤمنان مت گذاشت (و نعمت بزرگی به ایشان بخشید؛ هنگامی که برای آنها
پیامبری از میان خودشان فرستاد).

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۴

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَقْهُمُ الْكِتَابِ ...
ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی نازل کردیم ...

سوره‌ی حیدر، آیه‌ی ۲۵



وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ
ما در میان آنها پیامبری از خودشان فرستادیم که (می گفت): «خدا را پیرستید، و از (اطاعت)
طاغوت پرهیزید...».
سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۳۶

گفت و گو کنید

درباره‌ی هر یک از پیامبران اولوالعزم چه می‌دانید؟ در گروه‌های خود گفت و گو
کنید و نتیجه‌ی آن را به کلاس گزارش دهید.

ایستگاه فکر

برای آشنا شدن با آموزه‌های پیامبران چه راههایی را می‌شناسید؟

تحقیق کنید

به جز پیامبران اولوالعزم، داستان زندگی کدامیک از پیامبران در قرآن آمده است؟ یکی را انتخاب و خلاصه‌ی آن را برای دوستانتان بیان کنید.





سرور آزادگان

عصر عاشورا بود

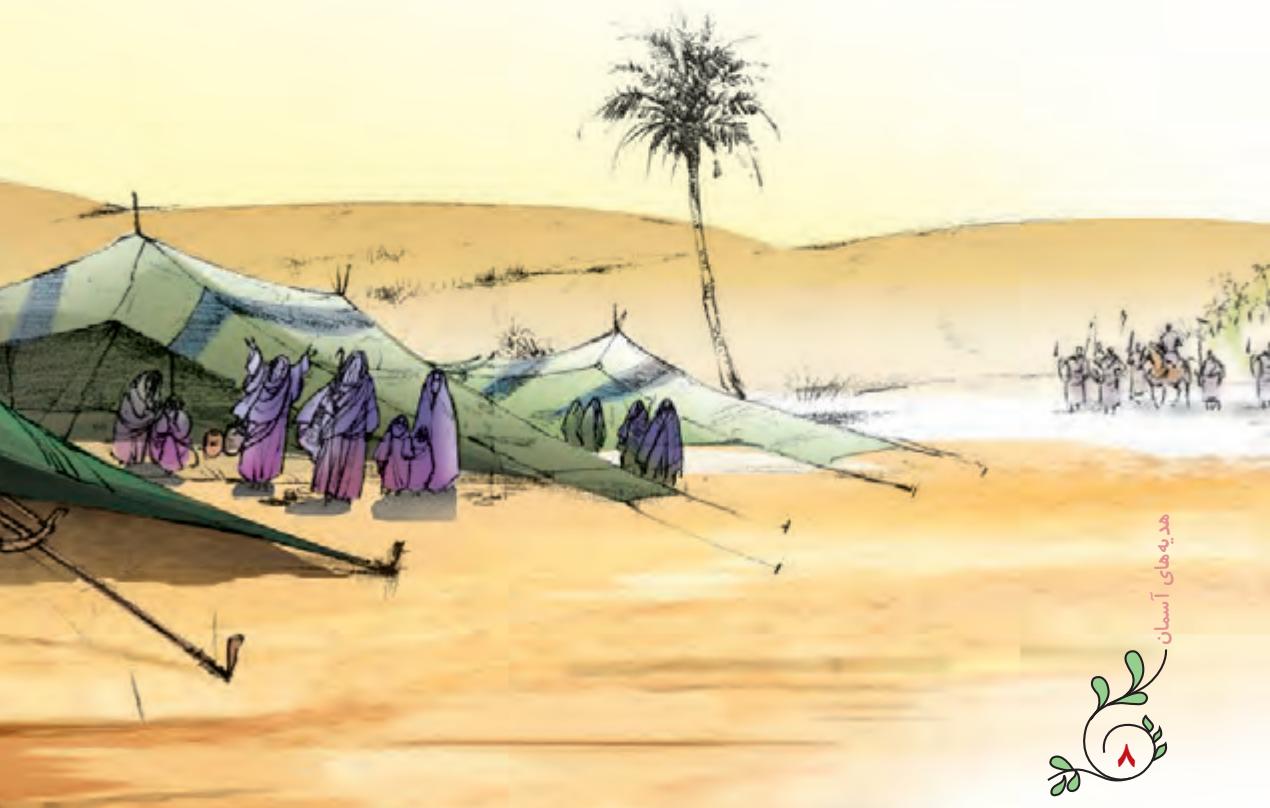
و سرزمین کربلا آمده‌ی ثبت حماسه‌ای دیگر! این بار نوبت که بود؟

گام‌هایش استوار بود و قلبش بی قرار.

نوجوانی چهارده ساله با چهره‌ای تماشایی که چون پاره‌ی ماه می‌درخشید.

آینه‌ی تمام‌نمای پدر بود. پدرش قهرمان جنگ‌های صفين و نهروان بود و او

قهرمان کربلا!





کنار عمو آمد. چشم‌هایش گواهی می‌داد که حرف دلش چیست!
امام حسین(رضی الله عنہ) نگاهی سرشار از تحسین به قامت قاسم انداخت؛
قطره‌ی اشکی بر گونه‌ی امام غلتید و بر زمین چکید.
چه لحظه‌ی جان‌سوزی! برایش سخت بود برادرزاده‌اش را که تازه به سنّ نوجوانی
رسیده بود، به مبارزه با کسانی بفرستد که هیچ رحمی نداشتند.
— قاسم جان! ای یادگار برادرم، به خیمه‌ها برگرد!
اما قاسم تصمیم خود را گرفته بود؛ می‌خواست به میدان جنگ برود. دستان عمو
را محکم در دست گرفت و غرق بوسه کرد و با چشمان خیس بر خواسته‌ی خویش
پافشاری کرد.
پس از اصرار فراوان، امام به او اجازه داد و قاسم را به سوی میدان جنگ بدرقه
کرد؛ سپس دست‌ها را برای دعا بالا برد و او را به خدا سپرد.
قاسم، شمشیر به دست و الله اکبر گویان بر دشمن تاخت و لرزه بر اندامشان
انداخت.

یک نوجوان، یک قهرمان
عالم، همه حیران او
زیباتر از مهتاب بود
دشمن سراپا ترس شد



قاسم از این سو به آن سو حمله می کرد و جوانمردانه می جنگید. بسیاری را به هلاکت رساند و دشمن را بر خاک ذلت نشاند.

ناگهان از همه سو بر او هجوم آوردند و سرو قامتش را بر خاک انداختند.

صدای قاسم بلند شد و عمرو را صدا زد.

امام حسین (رضی الله عنہ) شتابان خود را به بالین قاسم رساند؛ در کنارش زانو زد و پیکرش را در آغوش گرفت.

بدن گلگونش بوی گل‌های بهشت می داد. امام با مهربانی و عطوفتی توصیف‌ناپذیر نگاهش کرد و فرمود:

«به خدا قسم برای عمومیت سخت است که تو او را صدا بزنی و او نتواند جواب بدهد».

قیام امام حسین (رضی الله عنہ)

بعد از آنکه حضرت محمد (صلی الله علیه و علی آله) از سوی خدای بزرگ برگزیده شد و مأموریت یافت تا انسان‌ها را به دین خدا دعوت کند، ظالمان و ستمگران سعی کردند از هر راه ممکن، دین اسلام را از بین ببرند؛ اما مقاومت و تلاش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) و یاران بزرگوارش (رضی الله عنهم اجمعین) باعث شد تا کافران به خواسته‌های خود نرسند.

بعد از تمام شدن خلافت کوتاه مدت امام حسن (رضی الله عنہ) و حاکمیت بنی امیه، یزید در سال ۶۰ هجری به حکومت و سلطنت رسید. یزید اهل کارهای رشت و ناپسند بود، به نماز چندان اهمیت نمی‌داد و احکام دین خدا را رعایت نمی‌کرد، بدی‌های او در اطرافیان و مردم هم اثر گذاشته بود. وقتی به امام حسین (رضی الله عنہ) خبر دادند که یزید به حکومت رسیده، تصمیم گرفت در مقابل او باشست. یزید خیرخواهی امام حسین (رضی الله عنہ) را نپذیرفت و با او و یارانش در کربلا بدترین برخورد را نمود. امام حسین (رضی الله عنہ) در مقابل یزید تسلیم نشد و در مورد قیام خود فرمود:



همانا من برای اصلاح امّت جّدم قیام کرده‌ام.
من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

سرانجام امام حسین (رضی الله عنه) با یاران وفادارش در روز دهم محرم سال
۶ هجری قمری و در صحرای کربلا به شهادت رسیدند.
اما قیام و شهادت او برای همیشه سرمشق انسان‌های آزاده و یکتاپرست شد.

برایم بگو

چه قیام‌هایی را می‌شناسید که با الگو گرفتن از قیام امام حسین (رضی الله عنه)،
علیه ظلم و ستم انجام شده است؟

بگرد و پیدا کن

رفتار حضرت قاسم شما را یاد چه ویژگی‌هایی می‌اندازد؟

.....

.....

.....

.....

ایستگاه فکر



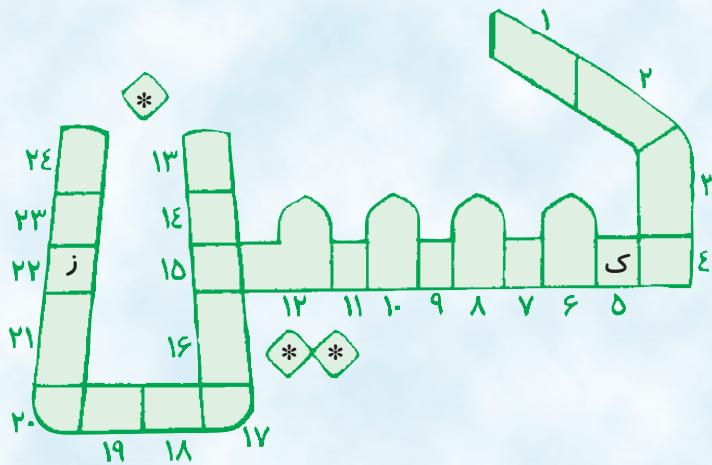
از قیام امام حسین (رضی الله عنہ) در برابر یزید چه درس‌هایی می‌گیریم؟

کامل کنید



پاسخ سوالات زیر را به ترتیب اعداد داده شده، از راست به چپ در جدول قرار دهید؛ سپس حروف را به ترتیب کنار هم بخوانید. رمز جدول، یکی از سخنان امام حسین (رضی الله عنہ) است.

- ۱- نام خواهر امام حسین (رضی الله عنہ)؛ پیام رسان کربلا. (۱۳-۱۲-۷)
- ۲- جاری شدن اشک از چشمها. (۱-۲-۳-۷-۱۷)
- ۳- وقتی به هم می‌رسیم به یکدیگر می‌کنیم. (۸-۱۴-۲۰-۱۶)
- ۴- تعداد جزء‌های قرآن کریم. (۲۱-۶)
- ۵- زیاد نیست. (۱۱-۱۵)
- ۶- اوّلین ماه از فصل زمستان. (۲۳-۲۴)
- ۷- شکلی که سه ضلع دارد. (۹-۱۰-۱۹-۱۸)



امام حسین (رضی اللہ عنہ) می فرماید:

بیعت نمی کند.

بے نظر شما این جملہ چه ارتباطی با موضوع درس دارد؟

گفت و گو کنید

شما به عنوان یک نوجوان مسلمان برای زنده نگهداشتن نام و قیام امام حسین (رضی اللہ عنہ) چه کارهایی انجام می دهید؟

تحقیق کنید

درباره کودکان و نوجوانان دیگری که در حماسہ کربلا حاضر بودند تحقیق کنید و آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.



رهروان راه صحابه

یکی از حاکمان در دوره‌ی مروان از ابوحنیفه، نخستین امام اهل سنت خواست تا قضاوت کوفه را به عهده بگیرد، اما او این پیشنهاد را نپذیرفت. کارگزار^۱ مروان دستور داد تا صد و ده ضربه شلاق را در طول یازده روز (روزی ۱۰ ضربه) به او بزنند تا از نظر خویش بازگردد. اما او با قاطعیت و متناسب بر نظر خود ماند و تصمیمش را عوض نکرد. حاکم اموی ناگزیر شد از تقاضایش دست بردارد و به او پیشنهادهای دیگری برای همکاری با حکومت بدهد. اما او باز هم نپذیرفت و برای حفظ جان و ایمان خود از عراق خارج شد و به مکه رفت، تا در آنجا درس حدیث، سنت و فقه را به دوستداران علم بیاموزد. حدود شش سال در مکه ماند، اما در آنجا نیز از آزار حکومت ستمگر در امان نماند.

بعد از مروان، منصور خلیفه‌ی عباسی نیز متوجه شد که ابوحنیفه با او موافق نیست؛ زیرا در خلال درس‌هایش از کارگزاران حکومت انتقاد می‌کند. خلیفه‌ی عباسی کینه‌ی او را به دل گرفت و او را به بغداد احضار کرد و او را به زندان انداخت، اما برای جلب اعتماد مردم از او خواست که قاضی بغداد شود. او با همان ایمان و مقاومتش این پیشنهاد را برای دومین بار رد کرد. منصور قسم خورد که قضاوت را به او بقبولاند و بنده‌ی مخلص خدا هم سوگند یاد کرد که قبول نکند و سرانجام او بر سوگند خود ماند و منصور را تسليم اراده‌ی آهنین خود کرد.

۱- کارگزار حکومت در زبان امروز استاندار و شهردار نامیده می‌شود.



و بدین‌گونه ابوحنیفه، در مقابل حکومت جور و ستم مقاومت کرد و بر اساس روایت‌های مختلف، سرانجام در زندان روح بزرگش به رحمت خدا پیوست.

تابعین در قرآن

به مسلمانانی که مفتخر به دیدار پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) نشدند، اماً به حضور صحابه و یاران آن حضرت رسیدند و زمان آنها را درک کردند، «تابعین» می‌گویند. ابوحنیفه، نعمان بن ثابت «رحمه الله عليه» یکی از تابعین صحابه بود که اندکی با زندگی او آشنا شدیم.

قرآن در آیات متعددی، از یاران پیامبر ستایش می‌کند و کسانی را که به نیکی از آن عزیزان پیروی می‌کنند، به بهشت و عده می‌دهد.

وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ
رَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَ اللَّهُمْ جَنَّاتٍ ...

و کسانی که به نیکی از مهاجران و انصار پیروی و تبعیت کردند، خداوند از آنها راضی و خشنود شده و آنها هم از خدا خشنود شده‌اند و خداوند برایشان بهشت و باغ‌هایی را آماده کرده است...

سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۰

با نگاهی به زندگی تابعین (رحمه الله عليهم) می‌توانیم بفهمیم که چرا خداوند در قرآن، از آنها ستایش و اعلام رضایت کرده و آنها را به بهشت بی‌کرانش و عده داده است. اکنون با شخصیت درسمان (امام ابوحنیفه) بیشتر آشنا می‌شویم.



امام اعظم ابوحنیفه «رحمه الله عليه»

هر کس که او را ملاقات می‌کرد، آثار ایمان و یاد خدا را در چهره‌اش می‌دید. همگان به علم و پاییندی او به دین خدا ایمان داشتند، اما او دوست نداشت که مردم وی را ستایش و از او تعریف و تمجید کنند. بیانی خوش داشت، با صدایی گیرا صحبت می‌کرد. ظاهری آراسته و باطنی آرام داشت. همیشه خوشبو و معطر بود و به پیروی از سنت پیامبر (صلی الله علیه و علی آلہ) به استعمال عطر علاقه‌ی فراوان داشت. بسیار با وقار بود و در راستگویی نزد همگان شهرت داشت. با وجود آنکه بسیار باهوش بود، اما هیچ‌گاه در رأی خود تعصّب نشان نمی‌داد و می‌گفت: «این رأی و نظر ما و بهترین فکری است که آن را یافتیم، اگر کسی نظر بهتری دارد، بر ما مقدم است.»

گفت و گو کنید

الگوی مستقیم تابعین چه کسانی بودند؟

پیشنهاد

از کتاب‌هایی که معلم در کلاس معرفی می‌کند، داستان‌هایی را از زندگی «امام مالک» مطالعه کنید و برای دوستانتان بخوانید.





با کمک دوستان خود (و با راهنمایی معلم عزیزتان) در مورد یکی از تابعین، روزنامه‌ی دیواری تهیه و در راهروی مدرسه نصب کنید.





سیاٰی خوبان

مذّتی بود که در غاری به نام حرا با خدای خود راز و نیاز می‌کرد. از کارهای زشت و ناپسند مردم ناراحت بود و برای هدایت آنها پیش خدا دعا می‌کرد... سرانجام در هفدهم ماه رمضان، جبرئیل امین (علیه السلام) فرشته‌ی وحی، به غار رفت و خطاب به او گفت: «بخوان!» رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) گفت «من سواد خواندن ندارم.» جبرئیل او را در آغوش گرفت و دوباره سخنش را تکرار کرد. پیامبر نیز همان جواب قبلی را تکرار کرد. جبرئیل (علیه السلام)، آیات اول سوره‌ی علق را بر او خواند:

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید.

سوره‌ی علق، آیه‌ی ۱





پیامبر به خانه بازگشت و ماجرای نزول جبرئیل را برای همسرش خدیجه تعریف کرد. خداوند او را برای هدایت مردم به پیامبری برگزیده بود.

خدیجه که سخنان او را شنید، گفت: «ای محمد! تو صله‌ی رحم به جای می‌آوری، به بینوایان کمک می‌کنی، مهمان نواز هستی و آنچه را که حق است، در جای خود انجام می‌دهی. من با اطمینان خاطر به تو ایمان می‌آورم.»

و بدین‌گونه آن بانوی بزرگوار، اولین زن مسلمان شد.

قرآن کریم می‌فرماید:

آلَّتِبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَرْوَاجُهُ، أَمَّهَا تُهُمْ

پیامبر نسبت به مؤمنان، برخودشان مقدم است و همسران وی مادران آنها هستند.

سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۶

آری همسران پیامبر و فرزندان بزرگوارشان، که آنها را اهل بیت پیامبر می‌دانیم؛
الگوی مردم مسلمان هستند.

پیامبر سه پسر به نام‌های قاسم، عبدالله و ابراهیم و چهار دختر به نام‌های فاطمه، زینب، رقیه و ام کلثوم داشت.

ابراهیم، پسر ام المؤمنین ماریه بود و سایر فرزندان پیامبر، از ام المؤمنین خدیجه بودند. رسول خدا (صلی الله علیه و علی آل‌هـ)، حضرت فاطمه (رضی الله عنہا) را خیلی دوست داشت. امام حسن و امام حسین (رضی الله عنہما) پسران حضرت فاطمه‌اند. اهل بیت پیامبر (رضی الله عنہم اجمعین) اخلاق نیکوی پیامبر را الگوی خود قرار داده بودند. حضرت علی (رضی الله عنه) در توصیف پیامبر می‌فرماید: «هرگز زبان به زشتی نمی‌گشود و جواب زشتی را با زشتی نمی‌داد. بیهوده در بازار نمی‌گشت. اهل



گذشت بود و از بدی چشم می‌پوشید. هیچ‌گاه با خدمتکار خود به تندی رفتار نکرد و هیچ وقت در فکر انتقام از کسی نبود. اگر کسی کار زشتی انجام می‌داد، سخت ناراحت می‌شد. کارهای خود را شخصاً انجام می‌داد. همیشه به یاد خدا بود. هرگاه به میان جمعی می‌رفت، در هر جایی که خالی بود می‌نشست و دیگران را به این کار سفارش می‌نمود. به کسانی که در مجلسش بودند، به یک اندازه محبت می‌کرد تا مبادا کسی که در پهلویش نشسته گمان کند، دیگری نزد پیامبر از او محبوب‌تر است. اگر می‌توانست نیاز دیگران را برآورده می‌کرد و گرنه با زبانی خوش، به او پاسخ می‌داد. برای مردم پدری مهربان بود و محضرش، مجلس علم و دانش و ادب و حیا بود.»

اهل بیت پیامبر نیز همین روش را در پیش گرفتند؛ خوش اخلاق بودند، خطای دیگران را می‌بخشیدند و اهل کینه و رزی نبودند. عیب دیگران را می‌پوشاندند. به خاطر خویشاوندی با پیامبر امتیاز ویژه‌ای را برای خود در نظر نمی‌گرفتند. امانت دار بودند و به عهد و پیمانشان وفا می‌کردند. به خود مغروف نبودند و متکبرانه راه نمی‌رفتند. به بینوایان خدمت می‌کردند. وقتی امام سجاد (رضی الله عنہ) از دنیا رفت، فقیران دانستند فرد ناشناسی که برایشان غذا می‌آورد، آن حضرت بوده است.

از غیبت و مسخره کردن دیگران دوری می‌کردند. سخن به اندازه می‌گفتند و کم و سنجیده شوخی می‌کردند. مهمان نواز بودند و به عیادت بیماران می‌رفتند. با کودکان مهربان و با جوانان دوست و صمیمی بودند. پیران را احترام گذارده و آنها را یاری می‌کردند. فقیران را ارجمند می‌دانستند و دعوتشان را می‌پذیرفتند. با اهل خانه مهربان بودند و به پدر و مادر احترام می‌گذاشتند. پرخوری را دوست نداشتند و به مساواک و نظافت و استفاده از عطر بسیار اهمیت می‌دادند. اهل عبادت و نماز شب بودند و نماز اول وقت می‌خواندند.

گفت و گو کنید

- بهترین برخورد در موارد زیر چیست؟
- اگر کسی شما را مسخره کرد یا به شما ناسزا گفت.
 - اگر در حضور شما از دیگران بدگویی شد.
 - اگر فقیری در همسایگی شما باشد.

پیشنهاد

از کتابی که معلمتان معرفی می‌کند، داستانی را از زندگی یکی از اهل بیت انتخاب کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

روزنامه دیواری

با کمک دوستانتان در مورد نقش رفتار پیامبر و تأثیر آن بر اخلاق و رفتار اهل بیت، مطالبی تهیه و به صورت روزنامه‌ی دیواری، در راهروی مدرسه نصب کنید.





فرزند پاک

باغبان پیری هرسال بعد از چیدن میوه‌های باع خود، بهترین آنها را جدا می‌کرد و با محبت و صفا آنها را برای رضای خدا به بینوایان می‌داد. در میان فرزندان باغبان، فقط یکی از آنها به پدر اعتراض نمی‌کرد. اما پسران دیگر به او می‌گفتند: «ما از این کار راضی نیستیم. این فقیران که صاحب باع زیبای ما نیستند».

پیر مرد مؤمن آنها را نصیحت می‌کرد و می‌گفت: «تمام جهان، ملک و دارایی خداست. این باع هم از آن خداست. ما ظاهراً صاحب این باع زیباییم و در واقع، از دارایی خداوند می‌بخشیم. بخشیدن شنا کردن در دریای خوبی‌هاست. ما با این کار اشتباهاتمان را پاک می‌کنیم».

صدای بلبلان، جویبار روان و میوه‌های خوش رنگ و معطر باع، سخنان شیرین پدر را دلنشیں تر می‌کرد؛ اما پسرانِ غافل به گفته‌های پدر توجه نمی‌کردند. بعد از مذّتی، پدر بیمار شد و از دنیا رفت.

چند روزی که گذشت، پسران درباره‌ی پدر و باغشان با هم گفت و گو کردند:

- پدرمان مرد خوبی بود؛ اما همه روزی می‌میرند. پدرمان هم دنیا را ترک کرد.
- بله مرد خوبی بود و ثروتمند، خدا او را بیامرزد که این باع بزرگ و پر بار را برای ما به ارث گذاشت.

- کاش او به فقیران کمک نمی‌کرد و حالا ما صاحب ثروت بیشتری بودیم!
- جبران می‌کنیم. حالا که پدر از دنیا رفته، تمام محصولات باع را برداشت می‌کنیم و می‌فروشیم.



— فردا صبح زود می‌رویم و میوه‌ها را می‌چینیم و حتّی یک میوه را هم به کسی نمی‌دهیم.

اماً پسر خوب و مطیع پدر، گفت: «برادران! یادتان رفت که پدر می‌گفت باید بخشی از میوه‌ها را به فقیران ببخشیم تا حق آنها را بدھیم؟ خداوند ما را به این کار نیک امر کرده است.»

برادران گفتند: «خواهش می‌کنیم تو دیگر اشتباه پدر را تکرار نکن! آنها قسم خوردنده که صبح زود، دور از چشم بینوایان، میوه‌ها را بچینند و حتّی یک میوه را هم بر درختان باقی نگذارند.

اماً شب‌هنگام که آنها در خواب بودند، ناگهان صاعقه‌ای به باغ آنها زد و چنان باع را سوزاند که حتّی یک میوه هم باقی نماند. آنها سحر گاهان بیدار شدند و به یکدیگر گفتند: «برویم که باغ در انتظار ماست.»

برادران از ترس اینکه بینوایان از حضور آنها باخبر شوند، آهسته و پیچ‌پیچ کان به طرف باغ رفته و گمان می‌کردند که می‌توانند به هدفشان برسند؛ اماً همین که چشیمان به باغ افتاد، گفتند: «شاید گم شده‌ایم! این درختان سوخته چیست؟! باغ ما که این‌طور نبود!»

برادری که اهل بخشش بود، به آنها گفت: «مگر نگفتم خدا را فراموش نکنید؟»
برادران متوجه خطای خود شدند و گفتند: «خدای ما به کسی ستم نمی‌کند. ما ستمگر بودیم و به خود ستم کردیم.»

آنها با سرزنش، به همدیگر گفتند: «ما از خدا و پدرمان نافرمانی کردیم. خدایا!
باغی بهتر از این را به ما بده تا اشتباهمان را جبران کنیم.»

تدبّر کنیم



این آیات را به همراه ترجمه‌ی آن در کلاس بخوانید و درباره‌ی پیام‌های آنها با دوستانتان گفت و گو کنید.

آنِفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ

از آنچه که روزی شما کرده‌ایم، ببخشید.

سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۴

وَ سَبِحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا

و بامدادان و شامگاهان (و همه وقت) خدا را به پاکی یاد کنید.

سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۴۲

بگرد و پیدا کن

انسان چگونه به خدا نزدیک می‌شود و می‌تواند اشتباهات خود را پاک کند؟

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴

گفت و گو کنید

پیامبر (صلی اللہ علیہ و علی آلہ) می فرماید:
ایمان، هفتاد و چند شعبه دارد. بالاترین
آن، ایمان به خدا و توحید است و کمترین آن،
برداشتن موائع سرراہ عبور و مرور مردم. حیا هم
شعبه‌ای مهم از ایمان است.
چند شاخه و شعبه‌ی دیگر از درخت زیبای
ایمان را در کلاس با دوستانتان پیدا کنید.





پندتایی جاودان

پیامبر مهربانی (صلی الله علیه و علی آله) در میان دوستانش نشسته بود و سخنان آنها را به دقّت گوش می‌داد و با محبت به آنها نگاه می‌کرد. هر کدام از آنها مثل ستاره‌ای درخشان به نظر می‌آمدند که اطراف ماه تابان را گرفته‌اند.

چهره‌ی پر از صفاتی رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) و اخلاق خوش او، همه را به او جذب کرده بود. همگی بی‌صبرانه دوست داشتند به سخنان دلنشیین پیامبر گوش فرا دهند و نصیحت‌های ایشان را چراغ راه زندگی خود قرار دهند.

پیامبر به صحابه (رضی الله عنهم) نگاه کرد و این سخنان نورانی را فرمود: «هر کسی یک سختی از سختی‌های دنیا را برای مردم حل کند، خداوند یک سختی^۱ از سختی‌های قیامت را برایش آسان می‌کند. هر کس بر بینوایی در دنیا آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد.^۲

هر کس عیب و ایراد مسلمانی را در دنیا پیوشاورد، خداوند عیب و ایراد او را در دنیا می‌پوشاشد.^۳

۱- مثل سختی سؤال و جواب‌های قیامت در مورد اشتباهات و خطایی که ممکن است انسان در دنیا انجام دهد.

۲- مثلاً اگر کسی پزشک است، بینوا و فقیران را مجانی درمان کند و یا اگر فروشنده است، جنس را به فقیران ارزان‌تر بفروشد و

۳- به عنوان مثال کاری می‌کند که مردم در فکر ایرادهای او نباشند و او را آزار ندهند و یا اینکه اصلاً متوجه عیب و ایراد او نشونند.



هر کس راهی را برای کسب علم و دانش بییماید، خداوند به وسیله‌ی همین علم، راهی را برای رفتن آن شخص به بهشت، هموار می‌کند (و او را به بهشت می‌برد). وقتی گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا (مساجد) جمع شوند و به خواندن و درس دادن کتاب خدا (قرآن) پردازند، آرامش بر دل آنها وارد می‌شود و مهر و رحمت خدارا احساس می‌کنند. فرشتگان اطراف آنها حلقه می‌زنند و خداوند هم از آنها در جمع ملائکه نام می‌برد و از آنها تعریف می‌کند.



هر کس به خاطر اعمالش از راه خوب عقب بماند، نمی‌تواند به خاطر داشتن خانواده و نیاکان خوب، انسان مؤمنی شود، چون شخصیت هر انسانی در دست خود است.

تدبّر کنیم

آیات زیر را بخوانید و ترجمه‌ی آنها را کامل کنید.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ

خداؤند به عدالت

سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۰

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدُوانِ

با همیگر در کارهای

سوره‌ی مائدہ، آیه‌ی ۲

در گروه‌های خود چند مورد از موارد احسان و نیکوکاری را انتخاب کنید و درباره‌ی آن، به این سؤالات جواب دهید.

* همکاری در کارهای خداپسندانه، چه نتیجه‌های دنیاگی دارد؟

* چگونه می‌توانیم پدران و مادرانمان را هم در این کارها شریک کنیم؟



گفت و گو کنید

این متن را بخوانید:

پدر ناصر که کارگر ساختمانی است، هنگام انجام کار، ناگهان دچار حادثه‌ای شد و دستش به شدت آسیب دید. راننده‌ای که از نزدیکی محل کار او عبور می‌کرد، با دیدن کارگرانی که آنجا جمع شده بودند، در گوشه‌ای ترمز کرد و خود را به پدر ناصر رساند و او را با ماشین خود، به سرعت به بیمارستان برد. پزشک اورژانس فوراً دستور داد که اتاق عمل را آماده کنند و با دقّت و دلسوزی تمام، دست پدر ناصر را جرّاحی کرد.

روز بعد، وقتی ناصر به همکلاسی‌هایش گفت که پدرش زخمی شده است، تعدادی از دانش‌آموزان، به همراه معلّم کلاس و مدیر و معاون مدرسه به عیادت پدر ناصر رفته‌اند. در بیمارستان، دکتر فرامرزی، پزشک معالج، حسن آقا، راننده‌ی ماشین و فرد زخمی، ناگهان با پسرانشان ماجد، معروف و ناصر روبرو می‌شوند و فضایی عاطفی و صمیمانه شکل می‌گیرد.

اکنون برای پاسخ به این سؤالات با دوستان خود در کلاس گفت و گو کنید.

* سعدی خوش سخن می‌گوید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

* شعر سعدی چه ارتباطی با ماجراهای بالا دارد؟

* تحقیق کنید که سعدی این شعر را از چه کلامی گرفته است؟^۱

۱- برای پیدا کردن این سؤال از معلّم و پدر و مادرتان کمک بگیرید.



اعتقادات ما

امیر المؤمنین عمر فاروق (رضی الله عنه) تعریف می کند:
روزی ما (یاران پیامبر) نزد رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) نشسته بودیم.
ناگهان مردی با لباسی سفید و موهایی سیاه و برّاق، بر جمع ما وارد شد. آثار سفر بر
ظاهر او معلوم نبود و هیچ کدام از ما او را نمی شناختیم. او جلوتر آمد و نزدیک پیامبر
نشست. دستانش را بر پای پیامبر گذاشت و گفت: «ای محمد! به من بگو «اسلام»
چیست؟»

پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) فرمود: «اسلام یعنی اینکه گواهی دهی به اینکه
 فقط خدا حاکم، فریادرس و پروردگار همگان است و محمد از طرف او برای راهنمایی
 مردم فرستاده شده است؛ و نماز را برپای داری و زکات را پیردازی و ماه رمضان
 روزه بگیری و همچنین اگر توانستی حج انجام دهی».
آن مرد گفت: «راست می گویی».

ما یاران پیامبر تعجب کردیم^۱ که این مرد از پیامبر سؤال می کند و بعد به پیامبر
 می گوید: «سخن راست و درست است».

بعد مرد ناشناس از پیامبر پرسید: «برايم بگو «ایمان» چیست؟»
رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) جواب داد: «ایمان این است که به خدا، ملائکه،
 کتاب‌های آسمانی (مثل تورات، انجیل و قرآن) و روز آخرت ایمان بیاوری و ایمان
 داشته باشی که خداوند بر تمام چیزهای جهان و کارهای بندگانش (چه خوب و چه
 بد) علم دارد و او بر همه کار تواناست».

۱- چون معمولاً سؤال کردن، نشانه‌ی ندانستن است و تأیید کردن، نشانه‌ی دانستن است.



آن مرد گفت: «سخن تو راست و درست است».

سپس مرد غریب‌هی در مورد قیامت از پیامبر سؤال کرد.

پیامبر جواب داد: «من هم مثل تو نمی‌دانم که قیامت کی می‌آید ...».^۱

بعد از مذکور آن مرد رفت. سپس پیامبر به من فرمود: «ای عمر! می‌دانی آن مرد

سؤال کننده که بود؟»

من گفتم: «خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند».

رسول الله (صلی الله علیه و علی آل‌هی) فرمود: «او جبرئیل بود. آمده بود که دین تان

را به شما نشان دهد».

کامل کنید



اسلام،

..... یعنی

ایمان،

..... یعنی باور قلبی به

۱- این متن، بخشی از یک حدیث طولانی است که امام مسلم، آن را روایت کرده است و به حدیث جبرئیل، مشهور است.



احکام سفر

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

(ای پیامبر به مردم) بگو: در زمین سفر کنید ...

سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱

آیا تاکنون به سفر رفته‌اید؟

سفر برای دیدن فامیل و آشنایان یا برای تفریح و گردش؟

به نظر شما این سفرها چه فایده‌هایی دارد؟

پیامبر آداب سفر را به یارانش آموخته بود و قبل از سفر همیشه دعا می‌کرد:

خدایا، ما در این سفر، از تو نیکی و تقوا می‌طلبیم.

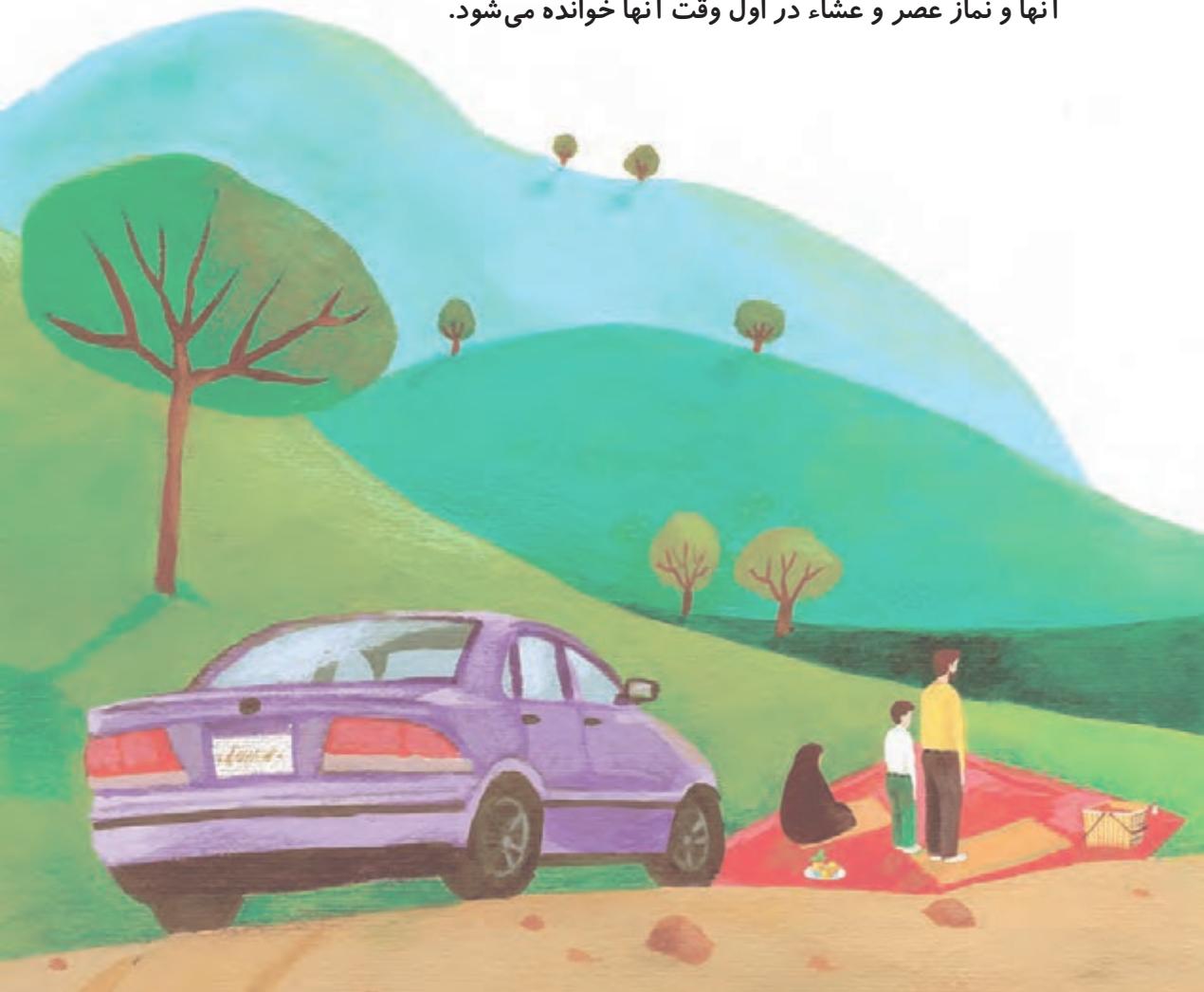
* * *

می‌دانید که عبادات با روش و سبک مخصوصی انجام می‌شود، به این روش درست، احکام می‌گویند.

خدای مهربان هنگامی که ما به سفر می‌رویم، نماز و روزه را بر ما آسان گرفته است. در این درس می‌خواهیم برخی احکام نماز و روزه‌ی مسافر را بیان کنیم.

نماز مسافر

مسافر می‌تواند نماز‌های چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشاء) را دو رکعت بخواند. به این کار، قصر (کوتاه کردن و شکستن نماز) می‌گویند. البته نماز صبح و مغرب، قصر و کوتاه خوانده نمی‌شود. همچنین یکی از احکام نماز مسافر، جمع خواندن آن است. یعنی مسافر می‌تواند نماز ظهر و عصر را با هم و نماز مغرب و عشاء را نیز با هم بخواند. البته در مذهب حنفی برای جمع خواندن، نماز ظهر و مغرب در آخر وقت آنها و نماز عصر و عشاء در اول وقت آنها خوانده می‌شود.



شکسته شدن نماز از زمانی شروع می‌شود که مسافر سفرش را شروع کرده و از محدوده‌ی شهر بیرون رفته است.

چند نکته در مورد قصر و جمع نماز

- مسافر باید به مقداری از شهرش دور شود که بتوان برآن نام سفر گذاشت؛ بنابراین، کسی که به روستاهای اطراف شهرش می‌رود، مسافر به حساب نمی‌آید. حداقل مسافت بر اساس مذهب شافعی، ۸۱ کیلومتر و بر اساس مذهب حنفی، ۷۸ کیلومتر است.
- مسافر می‌تواند بر اساس مذهب شافعی تا چهار روز و بر اساس مذهب حنفی تا پانزده روز نمازش را قصر و جمع بخواند (غیر از روزهای رفت و برگشت). اما اگر مسافری نداند کارش تا چند روز تمام می‌شود، بر اساس مذهب شافعی تا ۱۸ روز و بر اساس مذهب حنفی، تا هر مقدار کار او طول بکشد، می‌تواند نماز خود را شکسته بخواند (مثلاً بر اساس مذهب شافعی، دانشجویی که تازه قبول شده و می‌خواهد در شهری که قرار است در آنجا درس بخواند، خوابگاه و یا اتاق بگیرد؛ اگر کار او در سفر به آن شهر تا ۱۸ روز طول کشید، می‌تواند نماز را قصر و جمع کند؛ اما اگر بیشتر از ۱۸ روز طول کشید، باید نمازهایش را کامل و در وقت خودش بخواند؛ این در حالی است که بر اساس مذهب حنفی، تا هر مقدار کار او طول بکشد، نماز خود را شکسته می‌خواند)!
- فاصله انداختن بین دو نمازی که باید جمع خوانده شوند، صحیح نیست؛ مثلاً نمی‌تواند نماز اول را بخواند و پس از خواندن روزنامه، نماز دوم را بخواند.

روزه‌ی مسافر

کسانی که در ماه رمضان مسافرت می‌کنند، لازم است احکام آن را بدانند:

- اگر روزه برای شخص مسافر آسان است، بهتر است روزه بگیرد. هر چند روزه نگرفتن هم برای او گناه ندارد.

۱- در سال‌های آینده و با مطالعه‌ی بیشتر، احکام دیگری را در این مورد خواهید خواند.



- اگر مسافر احساس کند مسافت در گرما و مسافت طولانی، موجب شده که روزه گرفتن برایش سخت شود، در این صورت نباید روزه بگیرد؛ چون پیامبر، مسلمانان را از روزه گرفتن در چنین حالتی منع کرده است.
- کسی که به خاطر مسافت نتوانسته است روزه بگیرد، باید پس از ماه مبارک رمضان، قضای آنها را به جا آورد؛ یعنی به تعداد روزهایی که روزه نگرفته است، روزه بگیرد.

گفت و گو کنید

خانواده‌ی ایوب در تهران ساکن هستند.
در موارد زیر، نماز ایوب شکسته است یا کامل؟

— به همراه پدر و مادرش برای تفریح و دیدن جاذبه‌های شهر شیراز، به آنجا رفته است و آنها می‌دانند که ۲۰ روز در آنجا می‌مانند.
— قرار است در طی سه روز، تمام جاهای دیدنی همدان را با هم بیینند و از آنجا عکس بگیرند و فیلمبرداری کنند.

فکر کن و بگو

چه مسافری نمی‌تواند در ماه رمضان روزه بگیرد؟

تحقیق کنید

آیا کسی که نمازش را با هم جمع می‌کند، می‌تواند در بین دو نماز، سنت راتبه^۱ بخواند؟

۱- نمازهای مستحب که سنت است قبل یا بعد از نمازهای واجب خوانده شود.



عمره

قبل‌اً در تلویزیون گونه‌هایی از اعمال آن را دیده بودم، اما آن روز برایم طور دیگری بود؛ چون دیگر تصویرش را بر شیشه‌ی تلویزیون نمی‌دیدم.

آن روز خودم یکی از آن هزاران نفر بودم که با پوششی ساده و سفید همچون کبوتران هم مسیر، پرواز می‌کردیم؛ اما پرواز ما در آسمان نبود؛ بلکه در زمین پرواز می‌کردیم و با حالتی خوش که نمی‌توانم آن را برایتان تعریف کنم، لیک می‌گفتیم. مصطفی که به اینجا رسید، نجیب به او گفت: «قدرت شاعرانه حرف می‌زنی!»

مصطفی گفت: «به خدا راست می‌گوییم؛ هیچ خاطره‌ای برایم مانند عمره‌ی امسال دلپذیر نبوده است. تمام تفريحات و لحظه‌های خوشم در گذشته، مثل این چند روز نبود.»

شکور گفت: «طوری حرف می‌زنی که انگار ۵۰ سال عمر داری!»
مصطفی جواب داد: «دعا می‌کنم تو هم بروی تا بینی چقدر لذت‌بخش است و چه
حالت‌های خوشی از عبادت را تجربه می‌کنی!»

نجیب گفت: «آیا برای تو فقط طواف لذت‌بخش بود؟!»
مصطفی گفت: «نه! یک روز پدرم با دو نفر حرف می‌زد و من سخن آنها را متوجه نمی‌شدم؛ اما می‌دیدم که از صحبت کردن لذت می‌برند. یکی از آنها از فلسطین آمده بود و عربی حرف می‌زد و دیگری مسلمانی آمریکایی و انگلیسی زبان بود. پدرم که با این دو زبان آشنایی داشت، با آنها گفت و گو می‌کرد.»



نجیب با کنجکاوی سؤال کرد: «از پدرت پرسیدی آنها چه می‌گفتند؟» مصطفی جواب داد: «مرد فلسطینی به پدرم گفته بود که من دو بار به حج رفته‌ام. از مراسم سنگ زدن به ستون شیطان یاد گرفتم که مذاکره با شیطان فایده ندارد، شیطان را باید با سنگ محکوم کرد و ما ملت فلسطین، همین کار را می‌کنیم. مرد آمریکایی هم گفته بود برای یک غیرمسلمان در نیویورک، در مورد جمعیّت زیاد حاجیان حرف می‌زدم. وقتی فیلم آنها را هنگام طوف به او نشان دادم، به او گفتم چند دقیقه‌ی دیگر، همه‌ی اینها در صفحی مرتب می‌ایستند و با هم یک عبادت همگانی را انجام می‌دهند.»

وی با تعجب گفت: «حدّاقل دو ساعت لازم است تا جمعیت دو میلیونی در صفوی منظّم بایستد. من به او گفتم: «وقتی امام جماعت فرمان می‌دهد «راست و منظم بایستید!»؛ همه در صفحه‌ای مرتب برای چند ثانیه منظّم می‌ایستند.»



وقتی او تصویر این جمعیت عظیم را بر صفحه‌ی تلویزیون دید، مات و مبهوت شد و اشک از چشمانش جاری گشت و با توجه به حرف‌هایی که قبلًاً با هم زده بودیم، گفت که مسلمان می‌شود و شهادتین را بر زبان آورد.

پدرم می‌گوید که اعمال حج، پر از رمز و راز است؛ مثلاً حضور این همه انسان با زبان‌ها، رنگ‌ها، فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف در کنار خانه‌ی خدا، برابر بودن همه‌ی انسان‌ها را با هم نشان می‌دهد. حضور آنها در صحرای عرفات نشان می‌دهد که پول و شغل و زبان و ملیت، در صحرای قیامت ارزشی ندارد؛ بلکه ایمان و عمل صالح است که برای انسان در آنجا مفید است.

وقتی که مصطفی به اینجا رسید، اشک از چشمانش جاری شد و گفت:

وَإِلَهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

خداوند بر مردم واجب کرده است تا آنها بی که می‌توانند راه خانه‌ی خدا را در پیش گیرند و حج را انجام دهند.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۹۷



گفت و گو کنید



از نظم صفوف نماز جماعت، چه درس‌هایی می‌گیریم؟

تحقیق کنید



شرکت در مراسم حج بر چه کسانی واجب می‌شود؟



